

بسم الله الرحمن الرحيم

وعلی عبده المسیح الموعود

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم

هوالنصر

ملخص خطبه جمعه فرموده سیدنا حضرت خلیفه المسیح پنجم ۳۷ ژوئیه ۲۰۱۸ در بیت الفتوح لندن.

ذکر دو صحابه حضرت منذر بن محمد انصاری و حضرت حاطب بن ابی بلتعہ رضی الله عنہما که شامل غزوه بدر بودند. خداوند متعال ما را دارای ویژگی های صحابه آنحضرت ﷺ بسازد و درجات آن صحابه را بالا ببرد.

سیدنا حضرت خلیفه المسیح پنجم ایده الله تعالی بنصره العزیز روز ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۸ در بیت الفتوح لندن خطبه جمعه ایراد فرمودند که در زبانهای مختلف روی ایم تی ای به صورت زنده پخش شد. حضور انور فرمودند که در مورد ذکر اصحاب رسول ﷺ امروز ذکر دو صحابه می کنم. صحابی اول حضرت منذر بن محمد انصاری رضی الله عنه می باشند. وی از قبیله بنو حبیبه بود. حضرت پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرتش به مدینه بین او و حضرت طفیل بن حارث پیمان برادری بستند. زمانی که حضرت زبیر رضی الله عنه، حضرت حاطب بن ابی بلتعہ رضی الله عنه و حضرت ابو سیره بن ابی رحم رضی الله عنه از مکه هجرت نمودند و به مدینه آمدند در خانه حضرت منذر بن محمد سکونت گزیدند. حضرت منذر در غزوه بدر و احد شرکت نمودند و در خلال واقعه بئر معونه به شهادت نایل آمدند. در ضمن شرح شهادت حضرت منذر رضی الله عنه حضرت مرزا بشیر احمد رضی الله عنه نوشته اند که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم در ۴ هجری در رهبری منذر بن عمرو انصاری دسته ای از صحابه را روانه فرمودند که اکثر از انصار بودند و تعداد شان هفتاد نفر بود و همه قاری قرآن شریف بودند آنان در روز از جنگل هیزم جمع می کردند و با فروش آن امرار معاش می کردند و بخش غالب شب را در نیایش و عبادت سپری می کردند. زمانی که ایشان به مقام بئر معونه که به سبب چاه آنجا به نام آن معروف بود یکی از آنها حرام بن ملحان دایی حضرت انس بن مالک بود و از طرف حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم برای ابلاغ پیام اسلام جلو تر از دیگران نزد رئیس قبیله عامر و برادر زاده ابو عامر، عامر بن طفیل رفت و بقیه صحابه در عقب بودند. هنگامی که حرام بن ملحان به عنوان فرستاده نزد عامر بن طفیل و همراهانش رسید در اوایل آنان به طور دو روی و منافقت از او بسیار استقبال کردند و زمانی که وی از آنان اطمینان خاطر پیدا کرده و نشست و شروع به تبلیغ اسلام کرد بعضی افراد شرور به یکی اشاره کردند و وی این

فرستاده بیگناه را از پشت سرش نیزه زد و به شهادت رساند به هنگام شهادت بر زبان حرام بن ملحان این کلمات بودند که الله اکبر فزت و رب الکعبه. یعنی سوگند به رب کعبه که من به مراد خود رسیدم.

عامر بن طفیل تنها به کشتن فرستاده حضرت پیامبر اکرم ﷺ بسنده نکرد بلکه پس از آن مردم قبیله خود بنو عامر را تحریک نمود که به جماعت مسلمین حمله کنند. اما آنان از این کار سرباز زدند. که ما به دلیل پناه دادن ابو براء به مسلمین حمله نخواهیم کرد. سپس عامر افرادی از قبیله بنو سلیم را همراه کرد بعضی از این افراد بنو ریل و ذکوان و امیه و غیره بودند که طبق حدیث بخاری نزد حضرت پیامبر ﷺ به صورت هیئت رفته و درخواست نموده بودند که بعضی از افراد را به همراه شان بفرستند که به مردم قبیله ایشان تبلیغ کنند. به هر حال سپس تمام این افراد به جماعت اندک و بیچاره مسلمین حمله کردند. مسلمین زمانی که این گروهی از درندگان را دیدند که دارند به سوی آنها می آیند به آنان گفتند ما هیچ اختلاف و جنگی با شما نداریم و برای جنگیدن نیامده ایم ما از جناب پیامبر اکرم ﷺ برای انجام کار تبلیغ مامور شده ایم و اصلاً قصد جنگ نداریم ما آنان به سخنان اینان گوش فرادادند و همه را زیر تیغ گزاردند. از این جماعت صحابه دو نفر یعنی عمرو بن امیه زمری و منزر بن محمد آن زمان برای چراندن شترها از همراهان خود جدا شده بودند. آنان از دوره محل اتراق نگاه کردند و دیدند که در آنجا دسته دسته پرندگان در حال پرواز اند و از این آنان متوجه ماجرا شدند و از این اشاره صحرائی به خوبی متوجه می شدند که وقتی پرندگان بسیار در صحرا بیابند آن نشان گر این است که در آنجا برای شان غذای وجود دارد لذا از این منظره آنان بلا فاصله متوجه شدند که جنگی صورت گرفته است. سپس آنان به محل اتراق باز گشتند و کار کشت و خون کفار را به چشم خود مشاهده کردند و بادیدن این منظره از دور اینان باهم مشورت کردند که اکنون چه باید کرد؟ یکی گفت که ما باید بدون فوت وقت به سوی مدینه حرکت کنیم امانفر دوم این پیشنهاد را نپذیرفت و گفت که من از اینجا هرگز فرار نخواهم کرد جای که امیر ما به شهادت رسیده ما هم در آنجا خواهیم جنگید. سپس وی جلو رفت و در حال جنگیدن شهید شد یعنی منذر بن محمد رضی الله عنه که برای چراندن شترها رفته بود زمانی که با دشمنان مقابله کرد و در آنجا به شهادت رسید. این گونه وی در ۴ هجری شهید شد.

حضور انور فرمودند که صحابی دوم حضرت حاطب بن ابی بلتعہ رضی الله عنه اند که از قبیله لخم تعلق داشتند حضرت حاطب بن ابی بلتعہ رضی الله عنه حلیف بنو اسد بودند و کنیه ایشان ابو عبد الله بود اما این نیز گفته می شود که کنیه ایشان ابو محمد بود. حضرت حاطب بن ابی بلتعہ از اهالی یمن بود. پیامبر اکرم ﷺ بین حضرت حاطب بن ابی بلتعہ و حضرت رخیله بن خالد پیمان برادری بستند حضرت

حاطب بن ابی بلتعہ در غزوہ بدر و احد و خندق و تمام غزوات دیگر ہم رکاب حضرت پیامبر اکرم ﷺ بودند. حضرت پیامبر اکرم ﷺ وی را با نامہ تبلیغی خود نزد مقوقس شاہ اسکندریہ فرستادہ بودند. حضرت حاطب رضی اللہ عنہ از تیر اندازان حضرت پیامبر ﷺ بودند. در ارتباط با ایشان این نیز تعریف می شود کہ در دوران جاہلیت حضرت حاطب بن ابی بلتعہ از بہترین سواران و شعرا بودند. بعضی می گویند کہ ایشان غلام عبید اللہ بن حمید بودند و ایشان با انجام امر مکاتبت با صاحب خود آزاد شدہ بودند و مبلغ مکاتبت را در روز فتح مکہ پرداخت کردہ بودند. حضرت ام سلمہ تعریف می کنند کہ پس از وفات ہمسرم حضرت پیامبر اکرم ﷺ پیام ازدواج کہ فرستادند توسط حضرت حاطب بن ابی بلتعہ رضی اللہ عنہ فرستادہ بودند در روایتی آمدہ است کہ حضرت حاطب می گویند کہ حضرت پیامبر اکرم ﷺ در روز غزوہ احد بہ طرف من توجہ کردند آنحضرت ﷺ صدمہ دیدہ بودند زمانی کہ حضرت پیامبر اکرم ﷺ در حال صدمہ بودند در دست حضرت علی رضی اللہ عنہ ظرف آب بود و حضرت پیامبر ﷺ از آن آب، چہرہ خود را می شستند حضرت حاطب رضی اللہ عنہ از آنحضرت ﷺ پرسیدند کہ چہ کسی بہ شما این صدمہ رساندہ است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند کہ عتبہ بن ابی وقاص روی چہرہ من سنگ زدہ است حضرت حاطب تعریف می کنند کہ من این صدا روی کوه شنیدہ بودم کہ روح از بدنم دارد پرواز می کند و احساس کردم کہ جانی در تنم نیست. حضرت حاطب رضی اللہ عنہ در خدمت حضرت پیامبر اکرم ﷺ عرض کرد: پس عتبہ کجا است؟ حضرت پیامبر اکرم ﷺ اشارہ نمودند آنها بر تسلط یافتن وی موفق شدند. حضرت حاطب با ضربہ شمشیر سرش را از تنش جدا کرد و سپس سر و اسب و اسبابش را گرفت و نزد حضرت پیامبر ﷺ آورد. حضرت پیامبر ﷺ آن تمام چیز ہایش را بہ حضرت حاطب رضی اللہ عنہ بخشیدند و برایش دعا کردند و فرمودند خداوند از تو راضی شود خداوند از تو راضی شود. حضرت حاطب بن ابی بلتعہ در ۳۰ ہجری در سن ۶۵ سالگی در مدینہ در گذشت. نماز میتش را حضرت عثمان رضی اللہ عنہ اقامت نمودند.